

جناب آقای دکتر کدخدایی
عضو محترم حقوقدان و معاون اجرایی و امور انتخابات

سلام علیکم؛

با احترام بدینوسیله در خصوص موضوعات مطروحه در **چهل و دومین جلسه** شورای محترم نگهبان، مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۳ بابت ردیف‌های ۱ الی ۶ قبلاً نظرات کارشناسی مرکز ارسال و به موجب این نامه، نتایج بررسی‌ها راجع به **عناوین** مورد اشاره در ردیف‌های ۷ الی ۱۲ جهت استحضار، تقدیم می‌گردد.

۷- لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها

تبصره (۱) ماده (۱) و تبصره (۲) بند (الف) ماده (۳):

اصلاح عبارتی به عمل آمده به نظر **رافع ابهام** می‌باشد و مغایرتی با اصول قانون اساسی به نظر نمی‌رسد.

ماده (۱۵):

اصلاحات به عمل آمده به نظر **رافع ابهام** می‌باشد، لذا نکات ذیل در این خصوص قابل ذکر است:

الف - پاراگراف هفتم ماده مذکور که حکم می‌کند: «وجوه مانده سازمان از هر سال در سال بعد قابل مصرف می‌باشد و سازمان در هر سال می‌تواند برای سنوات بعد در چارچوب این قانون تعهد ایجاد نماید.» به نظر مغایر با حکم اصل ۵۲ قانون اساسی مبنی بر **سالانه بودن بودجه کل کشور** و همچنین اصل ۵۳ قانون اساسی مبنی بر **واریز همه وجوه به خزانه** که طبق آن باید مانده وجوه به خزانه برگردد، می‌باشد.

ب - حکم پاراگراف نهم ماده مذکور که سازمان هدفمندسازی را مکلف به ارائه گزارش به کمیسیونهای مجلس نموده است، مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی به نظر می‌رسد. و همچنین با توجه به اینکه طبق اصول ۱۲۲، ۱۳۲ و ۱۳۷ که بیان می‌دارد رئیس‌جمهور و وزراء و مجموع هیأت وزیران

مسئول در برابر مجلس می‌باشند، تکلیف ارائه گزارش شش‌ماهه توسط یک سازمان دولتی به نظر مغایر این اصول نیز می‌باشد.

۸- لایحه موافقتنامه استرداد مجرمان بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی افغانستان

بند (ب) ماده (۲):

واژه «مجازات سنگین‌تری غیر آن» واجد ابهام است.

بند (۲) ماده (۸):

از آنجا که متضمن توافق جدید طرفین پیرامون شرایط استرداد موقت می‌باشد، نیازمند رعایت مفاد اصل ۷۷ قانون اساسی بوده و از این حیث مغایر اصل موصوف به نظر می‌رسد.

بند (۳) ماده (۱۱):

از آنجا که مشخص نشده است که «تغییر وصف مجرمانه در خلال رسیدگی» از سوی قانون هر دو کشور یا یکی از طرفین می‌باشد، واجد ابهام است.

بند (۳) ماده (۱۲):

۱- از آنجا که حکم مندرج در این بند مستلزم بازداشت فرد به مدت ۱۵ روز است و اطلاق این حکم فرضی را نیز در بر می‌گیرد که شخص متهم به جرم است و هنوز محکومیت قطعی شامل او نشده است، مغایر اصل ۳۲ قانون اساسی به نظر می‌رسد.

۲- به نظر فعل جمله دوم نقص دارد و می‌بایست بدین صورت باشد: «... پس از ۱۵ روز آزاد خواهد کرد...» در غیر این صورت جمله نارسا و دارای ابهام می‌باشد.

قسمت اخیر بند (۴) ماده (۱۲):

از آنجا که متضمن حکم مندرج در بند (۳) این ماده می‌باشد، مغایر اصل ۳۲ قانون اساسی به نظر می‌رسد.

بند (۱) ماده (۱۴):

شماره: ۴۱۳۶

تاریخ: ۱۳۸۸/۱۰/۲۲

پیوست: ندارد

اطلاق حکم مندرج در این بند (تحویل اشیاء و اموال کشف شده که وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده باشد)، از آنجا که ممکن است اموال دولتی که از نفایس ملی باشد را در برگیرد، مغایر اصل ۸۳ قانون اساسی به نظر می‌رسد.

ماده (۱۸):

از آنجا که بر اساس مفاد اصل ۷۳ قانون اساسی، تفسیر قوانین عادی با مجلس شورای اسلامی است، مفاد ماده مذکور که صلاحیت تفسیر این موافقتنامه را به طرفین اعطا نموده است، شائبه مغایرت این ماده با اصل ۷۳ قانون اساسی را به ذهن متبادر می‌کند.

ماده (۱۹):

از آنجا که تمدید موافقتنامه پس از پایان حیات حقوقی آن (پنج سال) نیازمند توافق جدید طرفین می‌باشد، نیازمند رعایت مفاد اصل ۷۷ قانون اساسی می‌باشد، از این حیث با اصل ۷۷ قانون اساسی مغایر به نظر می‌رسد.

۹- لایحه موافقتنامه همکاری قضایی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی افغانستان

مواد (۱)، (۲)، (۹)، (۱۹)، (۲۰)، (۲۴)، (۲۷) و (۲۹):

با عنایت به موارد متعددی که اعمال مقررات قضایی دولت افغانستان را برای جمهوری اسلامی ایران لازم الاجرا دانسته، به نظر می‌رسد که از لحاظ شرعی قابل بررسی و تأمل است؛ چه آنکه این امر، مستلزم تأیید صحت قوانین و صحت آیین دادرسی افغانستان و نیز اثر دادن بر احکام دادگاه‌های کشور افغانستان ولو بر خلاف شرع صادر گردیده باشد، است که با عنایت به نظرات پیشین شورای محترم نگهبان در خصوص لوایح مشابه، مجموعه لایحه، علاوه بر مغایرت با اصل ۶۱ قانون اساسی، از منظر شرعی محل تأمل است.

شماره: ۴۱۳۶

تاریخ: ۱۳۸۸/۱۰/۲۲

پیوست: ندارد

لازم به ذکر است وجود ماده ۱۱ موافقتنامه که یکی از دلایل امتناع از انجام همکاری را تغایر با اصول بنیادین حقوقی در کشور دانسته برطرف کننده ایراد فوق نمی باشد.

شماره: ۴۱۳۶

تاریخ: ۱۳۸۸/۱۰/۲۲

پیوست: ندارد

بند (۱) ماده (۱۵):

این بند قوانین مربوط به اهلیت اتباع افغانی که در کشور جمهوری اسلامی ایران ساکن هستند را، مطابق کشور دولت افغانستان بیان می‌کند، که از لحاظ شرعی محل تأمل به نظر می‌رسد؛ به خصوص در مورد سنّ مسئولیت کیفری و قابلیت محاکمه و مجازات متهمین افغانی که در ایران مرتکب جرم شده‌اند.

بند (۳) ماده (۱۸):

از آنجا که در این بند در خصوص قیمومت و سرپرستی اتباع محجور ایرانی که اموال یا محل سکونت آنها در کشور طرف تعاهد (افغانستان) است، قوانین و مقررات قیمومت و سرپرستی کشور طرف تعاهد را لازم الاجرا دانسته است، محل تأمل و ایراد شرعی است.

بند (۳) ماده (۲۰):

اطلاق حکم مندرج در این بند (تحويل اموال و منافع توقیف شده حاصل از جرم) از آنجا که ممکن است شامل «اموال دولتی که نفایس ملی هستند» گردد، مغایر با اصل ۸۳ قانون اساسی ارزیابی می‌گردد.

بند (۲) ماده (۲۵):

از آن جهت که تعیین نحوه ارائه درخواست و رسیدگی را به عهده مقام قضایی طرف متعاهد نهاده است (و نه وفق قوانین مصوب داخلی طرف متعاهد)، به نظر محل ابهام می‌باشد و در خصوص تفویض چنین اختیاری به محاکم داخلی ایران، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی نیز به نظر می‌رسد.

ذیل ماده (۳۱):

از آنجا که بر اساس ذیل این ماده، در صورت اختلاف در تفسیر متون این موافقتنامه، متن انگلیسی ملاک قرار خواهد گرفت، ضروری است تا بر اساس اصل ۷۷ قانون اساسی، متن انگلیسی نیز به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. در غیر این صورت اجرای این موافقتنامه مغایر اصل ۷۷

قانون اساسی به نظر می‌رسد.

۱۰- لایحه موافقتنامه انتقال محکومان به حبس بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی افغانستان

جزء (د) بند (۱) ماده (۳):

از آنجایی که این بند اجازه داده است اقارب یا نماینده قانونی محکوم یا یکی از طرفین متعاقد با در نظر گرفتن «وضعیت جسمانی یا روانی» بدون رضایت محکوم، انتقال وی را درخواست کند؛ از آنجا که منظور از «وضعیت جسمانی یا روانی محکوم»، مشخص نیست، لذا واجد ابهام می‌باشد.

جزء (ب) بند (۱) ماده (۱۲):

از آن حیث که اجازه داده است، دولت اجراءکننده حکم طبق «یک آیین اجرایی» مجازات اعمال شده در دولت صادرکننده حکم را تبدیل نماید، و با توجه به اینکه تبدیل حکم یک امر قضایی است، لذا مغایر اصول ۳۶ و ۵۷ قانون اساسی تشخیص می‌گردد.

ذیل ماده (۱۹):

از آنجا که بر اساس ذیل این ماده، در صورت اختلاف در تفسیر متون این موافقتنامه، متن انگلیسی ملاک قرار خواهد گرفت، ضروری است تا بر اساس اصل ۷۷ قانون اساسی، متن انگلیسی نیز به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. در غیر این صورت اجرای این موافقتنامه مغایر اصل ۷۷ قانون اساسی به نظر می‌رسد.

۱۱- لایحه موافقتنامه انتقال محکومان به حبس بین ایران و قطر

بندهای (الف) تا (ث) بند ۵ از ماده (۱۲):

در این بند، به طور غیر مستقیم صلاحیت دادگاه کشور صادر کننده رأی را به رسمیت شناخته است و اجرای آرای صادره توسط آنها را مجاز قلمداد کرده است که از این منظر مغایر با اصل ۳۶

شماره: ۴۱۳۶

تاریخ: ۱۳۸۸/۱۰/۲۲

پیوست: ندارد

قانون اساسی به نظر می‌رسد. به علاوه، این بندها مغایر اصل ۶۱ قانون اساسی است که اعمال قوه قضائیه را صرفاً از طریق دادگاه‌های اسلامی دانسته و از این حیث دارای تأمل شرعی است.

ذیل ماده (۲۰):

با توجه به متن انتهایی موافقتنامه که اذعان دارد؛ «این موافقتنامه ... در دو نسخه و به زبانهای فارسی، عربی و انگلیسی، تنظیم گردیده که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردارند.» و مهمتر از آن نسخه انگلیسی در صورت بروز اختلاف ملاک عمل قرار گرفته؛ با استناد به اصل ۷۷ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌باید مطابقت نسخه‌های عربی و انگلیسی را نیز با نسخه تصویب شده فارسی مورد تأیید و تصویب قرار دهد.

۱۲- لایحه موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و قطر

بند (۲) ماده (۱):

عبارت «شش ماه» بدلیل مشخص نبودن متعلق، واجد ابهام می‌باشد؛ چرا که می‌تواند ناظر به حبس، تبعید یا محرومیت‌های اجتماعی باشد.

ماده (۷):

از آنجا که صراحتاً بازداشت فرد به مدت حداکثر ۳۰ روز منوط به حکم قضایی نشده است مغایر اصل ۳۲ قانون اساسی به نظر می‌رسد.

بند (۲) ماده (۸):

از آنجا که متضمن توافق جدید طرفین پیرامون شرایط استرداد موقت می‌باشد نیازمند رعایت مفاد اصل ۷۷ قانون اساسی بوده و از این حیث مغایر اصل موصوف به نظر می‌رسد.

بند (۳) ماده (۱۱):

از آنجا که مشخص نشده که «تغییر وصف مجرمانه در خلال رسیدگی» از سوی قانون هر دو

شماره: ۴۱۳۶

تاریخ: ۱۳۸۸/۱۰/۲۲

پیوست: ندارد

کشور یا یکی از طرفین می‌باشد، واجد ابهام است.

شماره: ۴۱۳۶

تاریخ: ۱۳۸۸/۱۰/۲۲

پیوست: ندارد

بند (۳) ماده (۱۲):

از آنجا که حکم مندرج در بند مذکور مستلزم بازداشت فرد به مدت ۱۵ روز است و اطلاق این حکم فرضی را نیز در بر می‌گیرد که شخص متهم به جرم است و هنوز محکومیت قطعی شامل او نشده است مغایر اصل ۳۲ به نظر می‌رسد.

قسمت اخیر بند (۴) ماده (۱۲):

از آنجا که متضمن حکم مندرج در بند (۳) این ماده می‌باشد، مغایر اصل ۳۲ قانون اساسی به نظر می‌رسد.

بند (۱) ماده (۱۴):

اطلاق حکم مندرج در این بند (تحويل اشیاء و اموال کشف شده که وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده باشد) از آنجا که ممکن است اموال دولتی که از نفایس ملی باشد را در بر گیرد مغایر اصل ۸۳ قانون اساسی به نظر می‌رسد.

ماده (۱۸):

از آنجا که بر اساس مفاد اصل ۷۳ تفسیر قوانین عادی با مجلس شورای اسلامی است، مفاد ماده مذکور که صلاحیت تفسیر این موافقتنامه را به طرفین اعطاء نموده است شائبه مغایرت این ماده با اصل ۷۳ را به ذهن متبادر می‌نماید. / N0087

قربانعلی مهري